

حکم ارتداد در ادیان ابراهیمی

عباس رهبری^۱، علی ابراهیمزاده رجایی^۲، میثم احمدزاده^۳

^۱ گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹ - ۱۴۶۶۵، تهران، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

چکیده

همواره در طول تاریخ سؤالات زیادی در باب ارتداد مطرح بوده است و همیشه شبهات جالبی در این زمینه به گوش می‌رسد. شاید بتوان گفت ارتداد، یک نوع حفاظ امنیتی برای ادیان است؛ زیرا فرد مرتد علاوه بر اینکه خودش از دین خارج شده به راحتی می‌تواند کسان دیگر را با کلامش از راه به در کند. فلذا هر یک از ادیان ابراهیمی نیز برای فرد مرتد مجازات خاصی را در نظر گرفته‌اند. ممکن است در ذهن این سؤال نقش بسته باشد، اسلامی که به حیات و حق زندگی برای تمام موجودات حتی گیاهان اهتمام ورزیده و آن را رحمت الهی دانسته؛ تا آنجا که کشتن یک فرد بی‌گناه را مانند کشتن تمام مردم می‌داند چگونه حکم بر مرگ مرتد می‌دهد، سؤال اصلی در این پژوهش این است که، چرا حکم «مرتد» مرگ است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که «ارتداد» سبب انحراف انسان‌ها از دین حق شده و از قدیم‌الایام دشمنان ادیان الهی از این راه برای ضربه زدن به دین و جلوگیری از پذیرش حق استفاده می‌کردند. لذا دستور به کشتن مرتد در حقیقت دفاع از حقوق انسان و عملکردی منطقی است که با نظر ادیان ابراهیمی مطابقت دارد. این پژوهش بیان می‌کند ادیان ابراهیمی چگونه با فرد مرتد در دین خود رفتار می‌کنند و چه مجازات و سزایی را برای وی در نظر می‌گیرند تا بتوانند از دین خود مراقبت کرده و شاهد افراد کمی باشند که مرتد شده و از دین خود بازگشته‌اند.

کلیدواژه: ارتداد، حکم ارتداد، اسلام، مسیحیت، یهود، ادیان ابراهیمی.

مقدمه

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در بحث ارتداد، متوجه می‌شویم که مطالعات زیادی در باب ارتداد در دین اسلام وجود دارد؛ می‌توان گفت در بحث ارتداد دین اسلام مقالات به حد اشباع رسیده است، لیکن در سایر ادیان ابراهیمی (یهودیت و مسیحیت) مقالات معدودی وجود دارند که به بررسی احکام و جرم ارتداد در این ادیان پرداخته‌اند. با توجه به اینکه در عنوان مقاله از کلمات «ارتداد و ادیان ابراهیمی» استفاده شده است.

شاید تا به حال شنیده باشید که فردی نسبت به دین خود مرتد شده باشد، ولی تا به حال به حکم آن و اینکه قانون مختص آن دین، چه سرنوشتی را برای آن فرد رقم می‌زند، فکر نکرده باشید. ممکن است حتی این مطلب زمانی گسترده و پیچیده‌تر شود که بدانیم در ادیان مختلف احکام مربوط به این افراد چطور باهم همپوشانی دارند؟

ضرورت دارد ابتدا ارتداد در این ادیان را تعریف کنیم. ارتداد^۱ در لغت به معنی رد کردن یا پشت کردن به یک دین و در اصطلاح حقوقی، اعلام علنی ترک یک دین می‌باشد. همچنین واژه ارتداد برگرفته از ریشه «رَدَد» به معنای بازگشت است (جوهری، ۱۴۰۴، ص ۴۷۳، ج ۲؛ راغب اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۴۱۷).

تعریف ارتداد در اسلام به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف) از دید فقهای اهل تشیع.

ب) از دید فقهای اهل تسنن.

فقهای شیعه مرتد را در دو قسمت بررسی می‌کنند. اولی مرتد فطری است که در این مورد فرد بعد از قبول اسلام به آن کفر می‌ورزد. دومی مرتد ملی است که در این مورد فرد ابتدا کافر به دین اسلام بوده، سپس مسلمان گشته و بعد از آن مرتد به دین اسلام شده است.

فقهای اهل تسنن نیز در تعریف ارتداد می‌گویند: «ارتداد کافر شدن مسلمانی است که از روی اختیار و پس از آگاهی از ارکان اسلام و التزام به احکام آن با شهادتین اسلامش مقرر شده است» (جزیری، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۲۲).

در مکتب اسلام درباره ارتداد آیات قرآنی^۲ و روایات بسیاری در دست داریم اما در هیچ‌یک از تقسیم‌بندی‌های فقهی، نمی‌توانیم به صراحت دستوری را برای مجازات مرتد از آیات و سیره نبوی برداشت کنیم.

ارتداد در آیین یهود این است که ارتداد در یهودیت گناهی بزرگ است؛ اما یک یهودی که از مادر یهودی متولد شده یا از راه صحیح یهودی شده باشد، با ارتداد از یهودیت خارج نمی‌شود، هر چند یک دین دیگر و اعمال آن را بپذیرد و رسماً دین یهودی را انکار کند (Wigoder, 1996, vol. 3, p. 211).

ارتداد در مسیحیت در اصطلاح عملی است که فرد به وسیله آن از ایمان کاتولیکی که تعمیم^۳ یافته است دست برمی‌دارد (Lawlor, 1981, vol. 1, p. 679).

در بحث اهمیت ارتداد باید به این موضوع عنایت ویژه‌ای داشت که ارتداد در تمامی ادیان یک نوع اصل دفاعی برای آن دین محسوب می‌شود. یا به عبارتی می‌توان گفت ارتداد پرتگاهی خطرناک قلمداد می‌شود و توجه بخصوص به بحث ارتداد در هر دینی، از بحث تبلیغ و جذب برای آن دین مهم‌تر است. قدمت طرح بحث ارتداد، همزاد تشکیل ادیان بوده و از دغدغه‌های مؤسسان آن، در راستای اثبات حقانیت ادیان، عدم ارتداد یا ارتداد حداقلی پیروان آن دین می‌باشد.

^۱ Apostasy

^۲ از نظر قرآن کریم آیات مربوط به ارتداد به ۱۳ نوع تقسیم بندی می‌شود که عبارتند از: لزوم برخورد با مرتد، حرمت ارتداد، کفر بعد از ایمان، کفر به جای ایمان، مخالفت با پیامبر، عدم بخشش مرتد، کفر بعد از اسلام، ارتداد قوم موسی، کفر هنگام مصیبت، فسق کافران، کفر با شکنجه، پشت کردن به حق، انحراف از ایمان.

^۳ غسل تعمید یا بپتیسیم (Baptism) یک رسم دینی برای کسب بخشش از گناهان و زندگی دوباره است که در مذاهب مختلفی مانند مسیحیت و آیین سیک ها رواج دارد و ریشه آن آیین‌های طهارت یهودی است.

اعتقاد به خدای یکتا و دوری از پرستش غیر او، مهم‌ترین اصل مشترک بین ادیان ابراهیمی (اسلام - مسیحیت - یهودیت) می‌باشد. در اسلام ارتداد زمانی تحقق می‌یابد که فرد ضروریات دین را انکار و یا به آن‌ها اهانت کند. در کتاب مقدس نیز دعوت به غیر خدا (یَهُوه^۴) عمل نکردن به اصول دین و همچنین توهین به مقدسات از موجبات ارتداد است. از این رو جامعه دینی برای حفظ نظم و اخلاق عمومی و احترام به احساسات عمومی پیروان ادیان الهی با آن مقابله می‌کند (هاشمی و زاهدی اصل، ۱۳۸۵، ص ۳۷).

بنابراین در این مقاله در پی پاسخگویی به این سؤالات می‌رویم:

۱ - حکم ارتداد در ادیان ابراهیمی به صورت تفکیک‌شده به نحوی انجام می‌شود؟

۲ - وجه تشابه و تمایز این احکام در ادیان ابراهیمی چیست؟

پیشینه

در این بخش تلاش خواهیم کرد آیات قرآنی و روایات و مطالب موجود در کتب مقدس (تورات و انجیل) و سایر کتب نوشته شده بیان و توضیح داده شود.

قرآن و روایات

همان‌گونه که اشاره کردیم آیات متعددی درباره ارتداد داریم، اما در مورد حکم نمی‌توانیم به آیات اشاره کنیم ولی در بخش‌هایی از روایات می‌توان به آن‌ها استناد کرد. باین‌حال ما چندین آیه در رابطه با ارتداد را در اینجا بررسی می‌کنیم. بر اساس آیات ۱۳۸ تا ۱۴۹ سوره اعراف، بنی‌اسرائیل به دلیل پرستش گوساله سامری مجدد به دین حضرت موسی کافر شده و مرتد شدند و به موجب این اتفاق در آیه ۵۴ سوره بقره^۵ تنها راه قبولی توبه این افراد کشتن یکدیگر بوده است. بر اساس آیات ۸۸^۶ و ۸۹^۷ سوره اعراف، مشرکان حضرت شعیب و یارانش را به ارتداد تشویق کردند و تهدید کردند که اگر از دین خود دست نکشند و به دین آن‌ها نگرند، آن‌ها را از شهر بیرون خواهد کرد؛ اما مؤمنان استقامت کرده و بر آیین خود ماندند.

آیات مکی

به دنبال هجرت پیامبر و مسلمانان که از رجب سال پنجم بعثت آغاز شد و به دلیل ادامه یافتن شکنجه‌های مشرکین بود، مسلمانان مجبور به هجرت به مدینه شدند پس آیات زیر در فاصله سالهای پنجم تا آخر بعثت نازل شده است تا مسلمانان را به مقاومت در دینشان ترغیب کند.

^۴ یَهُوه یا یَهُوه خدای ملی پادشاهی اسرائیل و بعد از سقوط آن خدای ملی پادشاهی‌های شمالی اسرائیلی و یهودا بود ریشه‌های این خدا حداقل به اوایل عصر آهن در اواخر اصل برنز می‌رسد یهوه در قدیمی‌ترین بخش‌های تلخ خدای جنگ و طوفان است که سپاه آسمانی را در جنگ با دشمنان اسرائیل فرماندهی می‌کند.

^۵ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يٰقَوْمِ إِنِّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلِ ... [سوره البقره: ۵۴]

^۶ «رؤسا و گردنکشان قوم او گفتند: ای شعیب ما تو و پیروانت را از شهر خویش بیرون می‌کنیم مگر آنکه به کیش ما برگردید. شعیب گفت: اگر چه با این نفرت که ما از آیین شما داریم.»

^۷ «گر ما به دین شما برگردیم با وجود آنکه خدا ما را از آن نجات داده همانا به خدا افترا و دروغ بسته‌ایم و هرگز نشود که ما به آیین شما رجوع کنیم مگر آنکه مشیت خدا قرار گیرد که او پروردگار ماست، پروردگار ما بر همه چیز کاملاً آگاه است، ما بر خدا توکل کردیم، پروردگارا، تو بین ما و امت، به حق داوری کن که تو بهترین داورانی.»

«قُلْ أَتَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانًا لَئِنْ أَصْحَابُ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ ائْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأَمِرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ»^۸

بگو: آیا ما خدا را رها کرده و چیزی را (مانند بتان) که هیچ قادر به نفع و ضرر ما نباشد به خدایی بخوانیم و بعد از آنکه خدا ما را هدایت نمود باز به خوی جاهلیت برگردانده شویم؟! مانند کسی که فریب و اغوای شیطان او را در زمین سرگردان ساخته است در حالی که او را یارانی است که او را به راه راست می‌خوانند که نزد ما بیایا! بگو: هدایت خدا به حقیقت هدایت است و ما مأموریم که تسلیم فرمان خدای جهانیان باشیم.

«وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَّوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (۱۲) وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ (۱۳) وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ»^۹ (۱۴)

او چرا ما بر خدا توکل نکنیم در صورتی که خدا ما را به راه راستمان هدایت فرموده؟ و البته (در راه اطاعت و رضای خدا) بر آزار و ستم‌های شما صبر خواهیم کرد و ارباب توکل باید (در همه حال خوش و ناخوش) تنها بر خدا توکل کنند (۱۲) باز کافران به رسولان پاسخ دادند که ما البته شمارا از شهر و دیار خود بیرون می‌کنیم مگر آنکه به آیین ما برگردید، در این حال (که رسولان مایوس از ایمان کافران شدند) خدا به آن‌ها وحی فرمود که (غم مخورید) البته ما ستمکاران را هلاک خواهیم کرد (۱۳) و محققا ما شما رسولان (و پیروانتان) را در سرزمین کافران پس از هلاک آن‌ها (با آسایش و ایمنی) ساکن می‌گردانیم و این (آسایش) نصیب کسی است که از مقام من خائف است و از وعده قهر و عقاب من می‌ترسد (۱۴).

«مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^{۱۰}

اگر کس بعد از آنکه به خدا ایمان آورده باز کافر شد - نه آنکه به زبان از روی اجبار کافر شود و دلش در ایمان ثابت باشد (مانند عمار یاسر) بلکه به اختیار کافر شد و با رضا و رغبت و هوای نفس، دلش آکنده به ظلمت کفر گشت - بر آن‌ها خشم و غضب خدا و عذاب بزرگ دوزخ خواهد بود.

آیات مدنی

از زمان نزول سوره بقره که نخستین سوره مدنی به حساب می‌آید، درگیری مسلمانان با یهودیان مدینه آغاز می‌شود که آیه ۱۰۹ همین سوره بیان آشکاری است بر اینکه یهودیان از روی حسد آرزوی ارتداد مسلمانان را در سر می‌پروراندند (ناصح و امیدوار، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹).

آیه ۲۱۷ سوره بقره^{۱۱} هشدار می‌دهد برای پی بردن انگیزه شوم دشمنان که در عین حال راه هرگونه طعنه‌ای را بر دشمنان اسلام بست. در سوره آل‌عمران بیشترین اشارات را نسبت به موضوع ارتداد داریم که در مهم‌ترین آیه آن یعنی آیه ۷۲ این سوره^{۱۲} از توطئه و نیرنگ تعدادی از یهودیان اشاره می‌کند که برای برگرداندن مسلمانان از دینشان قرار گذاشتند تا از صبح تا پایان روز

^۸ سوره انعام: ۷۱

^۹ سوره ابراهیم: ۱۲ - ۱۴

^{۱۰} سوره نحل: ۱۰۶

^{۱۱} (ای پیغمبر) از تو راجع به جنگ در ماه حرام سؤال کنند، بگو: گناهی است بزرگ، ولی بازداشتن خلق از راه خدا و کفر به خدا و پایمال کردن حرمت حرم خدا و بیرون کردن اهل حرم از آن (که مشرکان مرتکب شدند) نزد خدا بسیار گناه بزرگتری است و فتنه‌گری، فساد انگیزتر از قتل است؛ و کافران پیوسته با شما مسلمین کارزار کنند تا آنکه اگر بتوانند شما را از دین خود برگردانند و هر کس از شما از دین خود برگردد و به حال کفر باشد تا بمیرد

چنین اشخاص اعمالشان در دنیا و آخرت ضایع و باطل گردیده و آنان اهل جهنمند و در آن همیشه (معدّب) خواهند بود. [سوره بقره: ۲۱۷]

^{۱۲} وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكُتَّابِ آمَنُوا بِالَّذِي أَنْزَلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

اظهار اسلام کنند و بعداز آن بگویند که دیدیم دین پیامبر بر حق نبوده و این‌گونه تخم شک و تردید را در دل مسلمانان می‌کاشتند.

حال در رابطه با حکم ارتداد، بر اساس آیات مدنی بخصوص ۸۶ آل عمران^{۱۳}، پیش‌تر آمد که قتل نمی‌داند عامل ارتداد و تغییر عقیده باشد؛ زیرا تا زمانی که فرد معترف به شهادتین باشد، مسلمان و خون او محفوظ است؛ هرچند انجام گناه سبب بیرون شدن شخص از محدود ایمان می‌شود.

فقهای اسلامی در تعیین مجازات و حدود ارتداد به آیات قرآنی و سیره نبوی استناد نکرده‌اند؛ بلکه تنها احادیث ائمه راهگشای ایشان بوده است؛ چراکه در عصر نزول ارتدادی واقع نشد، مگر در اواخر این عصر که البته از آیات و سیره نبوی مربوط به این ارتداد نیز هیچ‌یک از احکام فقهی قابل‌برداشت نیست. در قرآن هیچ حدی به‌صراحت برای مرتد مشخص نشده است. (ناصح و امیدوار، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵)

کتاب مقدس

ناصح و امیدوار (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی آیات ارتداد در بستر نزول قرآن» دست‌یافته‌اند که در تورات کسی که اقدام به اشاعه ارتداد نماید، غیرقابل‌بخشش بوده و مجازات سنگسار برای او حتمی است و هر شخصی وظیفه دارد آن مرتد را معرفی و در سنگسار او همکاری کند. همچنین در حکم ارتداد دسته‌جمعی اگر ساکنین یک شهر اغفال شوند و به پرستش خدایان غیر روی‌آوردند، بایستی به ضرب شمشیر قتل‌عام شوند و تمام آن شهر سوزانده شود تا جایی که تبدیل به تلی از خاکستر شود و دیگر بار بنا نگردهد.

محمد بهزاد کرمانی چنین نوشته که «ارتداد رازگونه» یهود، به‌عنوان سلاح کارا و مؤثر، علاوه بر تأمین مقاصد بلند سیاسی، از پشتوانه‌های عمیق باطنی نیز بهره‌منداست که عاملان آن را ثابت‌قدم و راسخ می‌سازد. همچنین اسلام آوردن افراد همواره مورد رضایت و خشنودی هر فرد حق باور و مؤمن است اما کیاست مؤمن حقیقی نباید به حاشیه رانده شود، چراکه خسارات و آسیب‌های وارده از جانب این غفلت‌ها و تغافل‌ها، فوق تصور هر تحلیلگری است و اصلاح و درمان آن بسیار پیچیده و پرهزینه با توجه به این رویکرد است که لزوم بازبینی و بازشناسی مجدد و عمیق و جامع نگرانه بسیاری از حوادث تأثیرگذار که دارای ابعاد متعدد سیاسی، عرفانی و اقتصادی و ... است. (کرمانی، ۱۳۸۶)

هاشمی و زاهدی اصل (۱۳۹۷) مقاله‌ای تحت عنوان «ارتداد و آزادی اندیشه (مقایسه تطبیقی اسلام، یهودیت، مسیحیت)» به این نتیجه رسیده‌اند که ارتداد و بازگشت از دین نه‌تنها در اسلام بلکه در یهود و مسیحیت نیز گناه و جرم و بلکه از قبیح‌ترین انواع کفر و شدیدترین گناهان به شمار می‌رود. در دین اسلام پذیرش مبانی آن آزادانه و با تأکید بر تفکر آن‌هاست و آیات قرآن چون «لا اکراه فی الدین» مؤید آن است. همچنین در این مقاله ذکر شده است که اسلام، مسیحیت و یهود در عین حال که اختلاف‌هایی در احکام ارتداد دارند در زمینه شرایط ارتداد و مجازات‌های آن تشابه‌های زیادی به چشم می‌خورد از جمله تشابهات اسلام و یهود و مسیحیت بیان حکم قتل مرتد است. در قوانین کیفری و مطبوعات ایران که متأثر از قواعد فقهی اسلام است ارتداد و توهین به مقدسات جرم انگاری شده است در واقع آنچه مسلم است ادیان توحیدی در نظام حقوقی خود برای دفاع از کیان دین و نظم اجتماعی مقرراتی در رابطه با برهم زدن افکار عمومی جامعه و تخریب باورهای دینی مردم وضع کرده است که در صورت نقض آن با افراد خاطی برخورد می‌کند. همچنین در نظام حقوقی کامن لاینز این مسئله مورد نظر است که این نظام حقوقی، متأثر از حقوق کلیسایی است از دیرباز توهین به مقدسات در آن با عنوان Blasphemy جرم شناخته شده است و بر اساس آن هرگونه انکار حقانیت مسیحیت یا کتب مقدس و یا انکار وجود خداوند مصداق این جرم به شمار می‌رود.

^{۱۳} كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَاهَدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

«چگونه خداوند گروهی را که بعد از ایمان به خدا و گواهی دادن به راستی رسول او و بعد از ادله روشن باز کافر شدند، به راه راست هدایت کند؟ و خدا هرگز گروه ستمکاران را رهبری نخواهد کرد».

یافته‌ها

بر اساس موارد مطرح شده حکم مرتبط با ارتداد در ادیان ابراهیمی (اسلام - مسیحیت - یهود) را به صورت تفکیکی در ذیل بیان می‌گردد و تا آنجایی که ممکن است تحولات این احکام را در زمان‌های قدیم و حال باهم مقایسه کنیم.

حکم ارتداد در اسلام

به علت تفاوت نظر مذاهب مختلف، باید دیدگاه‌های مختلف را مورد بررسی قرار دهیم.

دیدگاه فقهای امامیه

در این دیدگاه، نتیجه بر آن است که حکم مرتد ملی و فطری^{۱۴} و زن و مرد یکسان نخواهد بود بنابراین برای هر کدام باید حکمی جداگانه متناسب با شرایط موجود اجرا شود. در ابتدا حکم مرد را بررسی می‌کنیم و بعد حکم زن را. در رابطه با حکم مرد ما چهار حکم داریم که عبارتند از:

۱ - قتل^{۱۵} ۲ - قطع علقه^{۱۶} زوجیت^{۱۷} ۳ - زوال مالکیت^{۱۸} ۴ - ساقط شدن ولایت مرتد.

در باب ارتداد زنان در ابتدا باید به این نکته اشاره شود که در این مقوله ما مرتد فطری یا ملی نداریم. در رابطه با حکم ارتداد در زنان ما سه حکم داریم که عبارتند از:

۱ - حبس و شکنجه^{۱۸} ۲ - قطع علقه^{۱۹} زوجیت^{۲۰} ۳ - زوال مالکیت^{۲۱}.

دیدگاه فقهای عامه

در این دیدگاه دقیقاً عکس دیدگاه قبل اصل بر یکسان بودن احکام ارتداد چه در باب زن و مرد و چه در باب مرتد ملی و فطری است و تنها حینفی‌ها هستند که معتقدند قتل زن مرتد لازم نیست. باین حال ما چهار حکم را در این دیدگاه داریم که عبارتند از: ۱ - کیفر قتل.

۲ - قطع علقه^{۲۲} زوجیت.

۳ - زوال مالکیت.

۴ - ساقط شدن ولایت مرتد.

^{۱۴} مرتد فطری به این معناست که فرد در ابتدا مسلمان بوده و اظهار اسلام کرده و بعد نسبت به دین اسلام کفر ورزیده است؛ اما مرتد ملی به این معناست که فرد در ابتدا کافر به دین اسلام بوده سپس اظهار اسلام می‌کند و مجدد نسبت به دین اسلام کفر می‌ورزد.

^{۱۵} این حکم برای مرتد فطری بدون اعتناء به توبه او و برای مرتد ملی که از توبه امتناع می‌ورزد قابل اجراست.

^{۱۶} امام خمینی در این باره قائل‌اند، در صورتی که ارتداد از طرف یکی از زوجین باشد اگر قبل از دخول باشد بطور مطلق موجب فسخ نکاح می‌شود و اگر بعد از دخول باشد در صورتی که ارتداد فطری از طرف زوج باشد، عقد نکاح بلافاصله فسخ می‌شود اما اگر ارتداد ملی باشد یا اینکه ارتداد از طرف زن باشد (فطری یا ملی) فسخ نکاح متوقف بر انقضای عده است که اگر در ایام عده توبه کنند نکاح باقی است و در غیر این صورت باطل می‌شود. (موسوعه الامام الخمينی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۹۴، کتاب الارث، موانع الارث، الکفر باصنافه، مسأله ۱۰)

^{۱۷} علامه حلی معتقد است مرتد فطری به محض ارتداد ملکیتش زایل می‌شود و اموالش بین ورثه تقسیم می‌شود. مرتد ملی ملکیتش همچنان باقی است و حاکم او را از تصرف در اموالش محجور می‌کند تا آنها را تلف نکند.

^{۱۸} در روایتی از امیرالمؤمنین نقل شده است که حضرت در مورد زن مرتد گفته‌اند که زندانی می‌شود تا اینکه اسلام بیاورد و یا بمیرد.

^{۱۹} علامه حلی در این باره گفته است اگر یکی از زوجین قبل از دخول مرتد شود، عقد بلافاصله فسخ می‌شود که اگر این ارتداد از طرف زن باشد، هیچ گونه مهری به او تعلق نمی‌گیرد ولی اگر بعد از دخول باشد و ارتداد از سوی زوجه باشد تمام مهر ثابت است و فسخ نکاح متوقف بر انقضای عده است.

^{۲۰} امام خمینی معتقدند که زن مرتد اموالش در ملکیتش باقی می‌ماند و به ورثه‌اش منتقل نمی‌شود مگر بواسطه مرگش.

همان‌گونه که در ابتدا هم اشاره شد، توضیح دادیم که تقریباً نمی‌توانیم از هیچ آیه‌ای استنباط حکم ارتداد را دریافت کنیم اما اکنون لازم است که بگوییم تنها آیه‌ای که می‌توانیم به حکم ارتداد به صورت غیر مستقیم اشاره کنیم آیه ۳۳ سوره مائده^{۲۱} است. این آیه معروف به آیه محاربه است و مفهوم این آیه که از تفسیر نور نوشته محسن قرائتی استنباط می‌کنیم که در شأن نزول آیه آمده است که جمعی از مشرکان مکه به مدینه آمده، مسلمان شدند. ولی چون بیمار بودند به فرمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به منطقه خوش آب و هوایی در بیرون مدینه رفته و اجازه یافتند از شیر شترهای زکات بهره ببرند؛ اما چون سالم شدند، چوپان‌های مسلمان را گرفته، دست و پایشان را بریدند و چشمانشان را کور کرده، شتران را به غارت بردند و از اسلام هم دست کشیدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد آنان را دستگیر کنند و همان کاری را که با چوپانان کرده بودند، بر سر خودشان آوردند. آیه فوق نازل شد. کیفرهایی که در آیه آمده، «حق الله» است و از جانب حکومت یا مردم قابل عفو و تبدیل نیست؛ و در تفسیر المیزان آمده است که انتخاب یکی از کیفرها، با امام مسلمانان است. همچنین لازم به ذکر است که ثبوت و جریان احکام مزبور برای مرتد، متوقف بر تحقق شرایط زیر است:

۱ - بلوغ

۲ - عقل

۳ - اختیار

۴ - قصد

۵ - فردی بودن.

امروزه ما در قوانین حکومت اسلامی، مجازات‌هایی در باب ارتداد داریم که به نوعی برگرفته و تکامل یافته متناسب با شرایط روز جامعه است را بررسی می‌کنیم. در جمهوری اسلامی ایران در قانون مجازات اسلامی مصوبه اسفند ۱۳۷۵، هیچ تعریفی از جرم ارتداد نشده است اما این بدین معناییست که دادگاه‌های ایران نمی‌توانند شخص مرتد را تعقیب کیفری قرار داده و مجازات کنند؛ دادگاه‌های ایران در تعقیب و رسیدگی به جرم ارتداد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی استناد می‌کنند که می‌گوید «قاضی مکلف است جرم ارتکابی را از طریق قوانین مدونه جرم انگاری نماید و در صورتی که موفق به تشخیص آن نشد می‌بایست به منابع معتبر اسلامی یا فتوای معتبر رجوع و کم قضیه را صادر نماید و این حق را نداشته که بدلیل سکوت یا نقض یا امجال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی خودداری کند.»

ماده ۲۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ بیان می‌دارد: «هرکس بوسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نیانجامد طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.»

بر اساس ماده ۵۱۳ تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده: «هرکس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیاء عظام یا ائمه طاهیرین علیهم السلام یا حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها اهانت نماید اگر مشمول سبّ النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک سال تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

^{۲۱} اِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جَزَاءُ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

«همانا کیفر آنان که با خدا و رسول به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند جز این نباشد که آن‌ها را به قتل رسانده، یا به دار کشند و یا دست و پایشان به خلاف یکدیگر بپزند و یا به نفی و تبعید از سرزمین (صالحان) دور کنند. این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست و اما در آخرت به عذابی بزرگ معذب خواهند بود.»

حکم ارتداد در مسیحیت^{۲۲}

آنچه از آیات انجیل به دست می‌آید، گناه ارتداد هم‌تراز با به صلیب کشیدن حضرت عیسی (ع) می‌باشد و بدین جهت گناهی عظیم و نابخشودنی تلقی می‌شود و فرد مرتد مستحق نفرین و سرانجام وی سوختن است.

حال بر اساس نظام حقوقی کامن‌لا^{۲۳} ما یک پلی بین توهین به مقدسات و ارتداد در نظر می‌گیریم که کلیسائیان قرون وسطی برای مجازات فردی که به مقدسات توهین می‌کرد با کسی که مرتد بود تفاوت قائل می‌شدند. در آن زمان کلیسائیان در ابتدا سعی می‌کردند از فرد مرتد اعتراف بگیرند. حال اگر فرد مرتد راضی به اعتراف نمی‌شد او را شکنجه می‌کردند. خواندن مقدار زیادی آب از طریق قیفی که در دهان متهم قرار می‌دادند، سوزاندن پاها، کشیدن بدن به حدی که اعضا و مفاصل پاره شود، کندن گوشت بدن با انبر داغ، استفاده از صندلی داغ و ... از مجازات رایج این دادگاه‌ها بود (ولف، ۱۳۴۸، ص ۱۶۱).

قتال قضایی که به آن ور، اوردالی، داوری خدایان (حکم الهی)، دوره و ادای گواهی، اطلاق می‌شود (الهی منش و ریسی نافچی، ۱۳۹۶)؛ یعنی هرگاه قاضی برای اثبات جرم و بی‌گناهی متهمی به دلایل و مدارک و شهود کافی و قابل توجهی دسترسی نداشت، به وسایل آزمایشی مانند آب و آتش متوسل می‌شدند و متهم باید دست خود را در آب جوش فرو کند، یا قطعه آهن سرخ شده‌ای را بردارد. سه روز بعد اگر بر دست متهم اثری از سوختگی نمایان نبود او را بی‌گناه می‌دانستند و یا دو طرف دعوا را به جان هم می‌انداختند و حق را به فرد غالب می‌دادند. این شیوه محاکمه در دین مسیح نبوده و مورد قبول ادیان نیست، اما در برهه‌ای از زمان با اجازه کلیسا انجام گرفته است اگرچه در تاریخ مسیحیت، اجرای حکم برعهده حاکمان بوده است. (امیری و طاهری، ۱۳۹۲، ص ۹۲)

«میرچا الیاده» در کتاب دائرة المعارف دین می‌نویسد:

نویسندگان قدیم مسیحیت مفهوم ترک آیین را که در ملاحم آمده است از یهودیان اقتباس کردند ... در قانون کلیسای قدیم در مورد ارتداد به این دلیل بسیار شدید بود که آنان ارتداد را یک بزه غیر قابل جبران تلقی می‌کردند زیرا پس از غسل تعمید راهی برای بخشایش گناهان وجود نداشت. فقط پس از دوران دقیانوس پذیرش مجدد سقوط کردگان با توبه مجاز گردید. پس از مسیحی شدن کنستانتین ارتداد مدنی یک بزه محسوب شد که از نظر قانون قابل مجازات است. فرمان‌های مجمع القوانین تئودوس بر این شدت گواهی می‌دهند آن مسیحیانی که بت پرست شوند از مقام و حق شهادت دادن محروم خواهند شد و هر گواهی که بدهند از اساس لغو خواهد بود ده سال بعد در فرمانی اعلام داشت: کسانی که از ایمان مقدس دست بردارند، از جامعه انسان‌ها منفصل خواهند شد صلاحیت شهادت دادن از آن‌ها سلب گردیده و از ارث محروم شده و موقعیت اجتماعی و وضعیت قانونی خود را از دست می‌دهند ننگ ابدی برج بین آن‌ها نقش خواهد بست. (الیاده، ۱۳۷۲)

حکم ارتداد در یهود^{۲۴}

^{۲۲} مسیحیت به طور کلی در سه گرایش بزرگ کاتولیک (Catholic)، ارتودوکس (Orthodox) و پروتستان (Protestant) که اعتقاد به تثلیث دارند، تقسیم می‌شوند.

^{۲۳} کامن‌لا به انگلیسی: (Common Law) که به حقوق عرفی، نظام رویه قضایی و سابقه قضایی هم معروف است، نوعی نظام حقوقی است که از سال ۱۰۶۶ میلادی به بعد توسط دادگاه‌های شاهی انگلستان ایجاد شد. کامن‌لا که در زبان فرانسوی قضایی (زبان گفتاری حقوق‌دانان انگلیسی تا قرن هفدهم) کومون‌لی تلفظ می‌شد به معنی حقوق مشترک است.

^{۲۴} دین یهود بر این باور است که «در زمانی که حضرت موسی (ع) برای نزول تورات در کوه طور معتکف شد و مدت غیبت او به طول انجامید، بنی اسرائیل به هارون مراجعه کردند و از او خواستند خدای مجسمی برای آنان قرار دهد و لذا هارون از آنان خواست هر چه جواهر آلات به همراه خویش دارند بیاورند و آنها چنین کردند و سپس هارون، جواهرات را به شکل گوشه‌های در آورد و بنی اسرائیل آن را پرستیدند و هنگامی که موسی (ع) از این انحراف اطلاع یافت، سخت بر آشف و از جانب خداوند فرمان رسید که کاهنان، یعنی فرزندان (لاوی)، همه کسانی را که بر غیر خدا سجده کرده‌اند بکشند و چنین شد و در آن روز، سه هزار نفر از بنی اسرائیل کشته شدند.

ما در دین یهودیت فرقی در مجازات بین مرد و زن پیدا نکردیم. در کتاب تورات مثالی از حکم ارتداد به میان آمده است که بیان می‌دارد هر کسی که اقدام به ترویج ارتداد در بین افراد یهود کند حداقل حکم آن سنگسار خواهد بود؛ که در این میان داستان پسری را در تورات داشتیم که ادعا می‌کرد آن پسر بعد از یک منازعه شروع به لعن خداوند کرد مرتد شد و بنی‌اسرائیل در بیرون شهر شروع به سنگسار او کردند. همان‌گونه که اشاره شد اگر تمامی ساکنین یک شهر مرتد شوند حکم قتل‌عام با شمشیر برای آن افراد صادر شده و کل شهر را می‌سوزاند. در ضمن در مجازات سنگسار هر شخصی که فرد مرتد را می‌شناسد باید در سنگسار او شرکت کند. به گفته قرآن کریم خداوند بیان داشته که در مجازات مرتدان گوساله پرست؛ روی همدیگر تیغ بکشید^{۲۵}. اگر کسی به دعوت به بدعت گروهی و خدایان غیر را عبادت کند، حکمش اعدام است؛ و اگر خدا را لعن کند مجازاتش سنگسار است که به آن اشاره کردیم. به طور کلی ارتداد در یهودیت شامل مرگ و سنگساری بی تأمل جماعت بر آن است و مرگ دسته‌جمعی و شکنجه از راه‌های سوزاندن پاها، کندن گوشت بدن و ... می‌باشد.

جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که در قسمت‌های گذشته ذکر شد می‌توانیم به این نکته دست یابیم که در اسلام ارتداد را زمانی تعریف می‌کنیم که فردی ضروریات دینش را انکار یا به آن‌ها اهانت کند؛ اما در کتب‌های مقدس به کرات اشاره شده است که ارتداد یعنی دعوت به غیر خدا و عمل نکردن به اصول آن و همچنین اهانت به مقدسات دین. حال با توجه به این که در اسلام و مسیحیت و یهودیت تعاریف کم و بیش تشابهاتی را باهم داشتند می‌توانیم نتیجه بگیریم که در برخی احکام هم اشتراکاتی دارند. یک نکته که ممکن است از ذهنمان خارج شود این است که ما در یهودیت تبلیغ دین را به هیچ وجهی نداریم اما در دین مسیحیت و اسلام به وفور این امر مشهود است. وجه مشترکی که اصل مؤکد ادیان ابراهیمی است، مسئله توحید و اعتقاد به خدای یکتا و دوری از پرستش غیر او می‌باشد. در بحث آزادی تفکر ما در اسلام داریم که قبل از پذیرش آن باید بگردیم و تحقیق کنیم و بهترین دین را برای خودمان برگزینیم؛ اما در ادیان مسیحیت و یهودیت هیچگونه اجازه تفکری وجود ندارد و باید مطیع بی چون و چرای مراجع مطلع آن ادیان باشید. در بحث اشتراکات حکم ارتداد در ادیان ابراهیمی به این نتیجه می‌رسیم که دین اسلام در مقوله حکم ارتداد یک تفکیک جنسیتی دارد و در جنس مذکر معمولاً این احکام را دوباره به دو بخش مرتد ملی و فطری تقسیم می‌کنند. حال آن که در ادیان مسیحیت و یهودیت هیچ تفکیک جنسیتی وجود ندارد. از جمله تشابهات دیگری که می‌توان در حکم ادیان نام برد بحث حکم قتل مرتد است که در ادیان اسلام و مسیحیت و یهودیت مشترک است. حبس و شکنجه رو هم می‌توانیم نکته مشترکی بین اسلام و مسیحیت بدانیم. مطلبی که باید در حکم ارتداد اسلام همواره یادمان باشد این است که؛ در باب حکم ارتداد ما هیچ آیه مستقیمی در قرآن نداریم و تمامی ارجاعاتی که پیدا کرده‌ایم همگی برداشتی از روایات است.

^{۲۵} وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنِّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ [سوره بقره]

منابع:

قران کریم

کتاب:

- ۱) جزیری، عبدالرحمان. (بی تا). *الفقه علی المذاهب الاربعه*. بیروت: دارالفکر.
 - ۲) جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۴). *الصاحح تاج اللغة و صحاح العربیة*. (احمد عبدالغفور عطار، محقق). بیروت، لبنان: دارالعلم للملایین.
 - ۳) راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. (۱۳۹۲). *مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن*. (ندیم مرعشلی، محقق). بیروت، لبنان: دارالکاتب العربیه.
 - ۴) ولف، کری. (۱۳۴۸). *درباره مفهوم انجیل ها*. (محمد قاضی، مترجم). تهران: فرهنگ.
- 5) Wigoder, Geoffrey. (1996). *Encyclopedia Judaica*. Israel: Encyclopedia Judaica Jerusalem.

مقاله مجله تخصصی:

- ۶) الهی منش، محمدرضا؛ و ریسی نافچی، نیره. (۱۳۹۶). تحلیل اوردالی از دیدگاه تاریخ حقوق کیفری و تطبیق آن با قسامه. *فصلنامه مطالعات حقوق*، ۱(۱۲).
- ۷) امیری، عظیم؛ و طاهری، محمد حسین. (۱۳۹۲). بررسی و نقد انگاره ارتداد، در مسیحیت کاتولیک. *معرفت/ادیان*، ۴(۱۶)، ۷۷-۹۶.
- ۸) کرمانی، محمدبهزاد. (۱۳۸۶). ارتداد رازگونه؛ کند و کاوی در عرفان سیاسی یهود. *انسان پژوهی دینی*، ۵(۱۶)، ۳-۱۷.
- ۹) ناصح، علی احمد؛ و امیدوار، جنان. (۱۳۸۶). بررسی آیات ارتداد در بستر نزول قرآن. *پژوهشنامه قران و حدیث*، ۲(۳)، ۱۰۳-۱۱۸.
- ۱۰) هاشمی، سید حامد حسین؛ و زاهدی اصل، علیرضا. (۱۳۸۵). ارتداد و آزادی اندیشه (مقایسه تطبیقی اسلام، یهودیت، مسیحیت). *گفتمان فقه و اصول*، ۳(۴)، ۳۷-۶۶.

مقاله دانشنامه:

- ۱۱) الباده، میرچا. (۱۳۷۲). دایره المعارف دین. در اکبر بهروز (مترجم)، *ویژه نامه دکترین مهدویت ۱*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

12) Lawlor, F. X. (1981). Apostasy. In *in New Catholic Encyclopedia* (Vol. 18). Washington D.C: Catholic University Of America.

Ruling of apostasy in Abrahamic religions

Abbas Rahbari¹, Ali Ebrahimzadeh Rajaei², Maitham Ahmadzadeh³

¹ Department of Islamic Education, Farhangian University, PO Box 889-14665 Tehran, Iran

² BA student of exceptional children education, Farhangian University, Tehran, Iran

³ BA students of special education, Farhangian University, Tehran, Iran

Abstract

Many questions about apostasy have always been raised throughout history, and interesting doubts are always heard in this field. Perhaps it can be said that apostasy is a kind of security protection for religions; Because an apostate, in addition to leaving the religion himself, can easily lead others astray with his words. Therefore, each of the Abrahamic religions has a specific punishment for the apostate. This question may be stuck in the mind, Islam, which cares about life and the right to life for all creatures, even plants, and considers it as divine mercy; As far as killing an innocent person is the same as killing all people, how does he sentence the death of an apostate, the main question in this research is, why is the sentence of "apostate" death? The findings of the research show that "apostasy" has caused people to deviate from the true religion, and since ancient times, the enemies of divine religions used this way to attack the religion and prevent them from accepting the truth. Therefore, the order to kill the apostate is in fact a defense of human rights and a logical action that corresponds to the opinion of Abrahamic religions. This research shows how the Abrahamic religions treat the apostate in their religion and what punishment they consider for him so that they can take care of their religion and witness the few people who have apostatized and returned from their religion.

Keywords: apostasy, ruling on apostasy, Islam, Christianity, Jews, Abrahamic religions.
